

تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی مطالعه موردی: دهستان هجدان دشت، شهرستان مهران

حشمت‌الله عسگری* - دکترای اقتصاد و استادیار دانشگاه ایلام
سجاد شرافت - کارشناس ارشد علوم اجتماعی-توسعه اجتماعی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۶

چکیده

مطالعه حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی-اسنادی است، که در آن ابعاد اعتماد اجتماعی بررسی شده و در سه دسته اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، و اعتماد نهادی قرار گرفته است. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی نیز در اینجا، مشارکت اجتماعی، طرد اجتماعی، عوامل و ویژگی‌های فردی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، و احساس امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است. پایایی پرسشنامه را گروهی از استادان و متخصصان و روایی آن را آزمون آلفای کرونباخ تأیید کرده است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد و سطح تحلیل در آن خرد است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۵ سال دهستان هجدان دشت از توابع شهرستان مهران استان ایلام است، که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۳۳۱ نمونه به روش خوشه‌ای طبقه‌ای و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های آماری اسپیرمن، کی‌دو، و رگرسیون چندمتغیره انجام گرفت. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه معنادار بین تحصیلات، مشارکت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن، و طرد اجتماعی با اعتماد اجتماعی است. جهت رابطه در چهار متغیر نخست گفته شده مثبت و در دو متغیر آخر منفی است. بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، جوامع روستایی، طرد اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

انسان به‌حکم اینکه موجودی اجتماعی است و تمایل به زندگی اجتماعی ریشه در فطرت او دارد، ناگزیر از برقراری ارتباط با دیگران است، تا در پرتو آن بتواند مشکلات و نارسایی‌هایش را برطرف کند و به‌طور متقابل در رفع مشکلات و کاستی‌های متعدد دیگران مؤثر باشد. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار برای رعایت قوانین و مقررات و حق و حقوق دیگران کارایی خود را از دست می‌دهد (کفاشی و آزاده، ۱۳۸۸، ۹۲). اعتماد اجتماعی^۱، مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی سرعت می‌بخشد و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. اعتماد را می‌توان هسته و خمیرمایه اصلی سرمایه اجتماعی^۲ به‌شمار آورد، که نقشی محوری در ایجاد بستری مناسب برای موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای دارد. شعاع اعتماد (درون‌گروهی، برون‌گروهی یا تعمیم‌یافته، و نهادی) و شدت و ضعف آن (زیاد، متوسط، و کم) در جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است.

اعتماد مهم‌ترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دوسویه یا چندسویه تشویق می‌کند. انسان‌ها به‌همدیگر اعتماد می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند و به این باور برسند که بدون همکاری، مشارکت، و هم‌فکری کاری از پیش نخواهند برد. بسیاری از متفکران، اعتماد را حسی می‌دانند که منجر به تعاون و همکاری می‌شود و فقط در این صورت است که انسان‌ها در عین داشتن تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات خواهند بود. اعتماد از مفاهیم اصلی جامعه‌شناسی و یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه‌های روابط انسانی است و ضمن اینکه فعالیت‌های داوطلبانه، نوآورانه، و خلاق را برمی‌انگیزد، افراد را به تحرک در کارهای جمعی تشویق می‌کند (کامران و

1. Social trust

2. Social capital

احمدیان، ۱۳۸۸، ۲۰). با تحکیم اعتماد به‌عنوان سازوکار دسترسی به قدرت و تقویت مشارکت، افراد از در حاشیه‌بودن و مورد غفلت و فراموشی قرارگرفتن رهایی می‌یابند، و با پیوند دادن منافع فردی با منافع جمعی، انسان‌ها در متن فرایندهای حیات اجتماعی قرار می‌گیرند و ایفای نقش می‌کنند. پیامد و محصول چنین روندی، بسط جامعه مدنی خواهد بود که در آن فضای عمومی آشکارا گسترش می‌یابد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۱۶۱). هرچند اعتماد اجتماعی با مخاطره همراه است اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر و مسالمت‌آمیزتر برای زندگی تبدیل می‌کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد، تحمل‌ناپذیر و چه‌بسا غیرممکن است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹، ۵۹). اعتماد اجتماعی از ضروریات زندگی اجتماعی در دنیای مدرن است و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. انسان‌ها در زندگی روزانه و در فعالیت‌های گوناگون باید به یکدیگر اعتماد داشته باشند و روابطشان را بر مبنای آن بنا کنند. اعتماد افراد به واحدها و نهادهای اجتماعی، کارکردهای نظام اجتماعی را تسهیل می‌کند و در نظم اجتماعی مؤثر می‌افتد (امیرپور، ۱۳۸۶، ۲۹۴).

بنابراین، اعتماد را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه نظم قلمداد کرد و به‌همین دلیل آیزنشتاد^۱ به‌درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیرممکن است (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۲). افزون بر اینها، بدون وجود اعتماد نمی‌توان به نظام دموکراتیک، ثبات اجتماعی، تعادل و همبستگی، و انسجام اجتماعی در جامعه دست یافت. اعتماد از پیش‌شرط‌های توسعه هر جامعه قلمداد می‌شود. با بسط و گسترش فرهنگ اعتماد، می‌توان به‌جای ارزش‌های منفی مانند رواج دروغ، کلاه‌برداری، چاپلوسی، نفاق، و مانند اینها، ارزش‌های مثبت از قبیل صداقت، راستگویی، انصاف، امانت‌داری، تعهد، و شهامت را در جامعه

1. Eisenstad

پروراند (حیدرآبادی، ۱۳۸۵، ۴۰). تحقیقات نشان می‌دهند زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸، ۱۹۰) و جامعه گرفتار فروپاشی می‌شود، زیرا بسیاری از تعاملات و روابط بین انسان‌ها بر مبنای عدم قطعیت و احتمالات شکل گرفته است. روابط و تعاملات انسانی، بیش از دلایل عقلی و منافع شخصی، از طریق اعتماد استمرار پیدا می‌کند (Simmel, 2004, 179).

بی‌اعتمادی و کناره‌گیری از زندگی مدنی عواقبی چون کاهش مشارکت سیاسی و فرسایش اعتماد به نهادهای سیاسی، افزایش بدبینی و بیگانگی، ترجیح نفع شخصی بر مصلحت عمومی و نارضایتی از زندگی عمومی را در پی دارد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸، ۱۹۱). از دید برخی از صاحب‌نظران، شواهد بسیاری مبنی بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمامی سطوح در ایران وجود دارد. بعضی از کارشناسان به وجود فرهنگ‌های متفاوت و چندپارگی فرهنگی و اجتماعی (نظیر مسائل اقوام) اشاره کرده‌اند و آن را در ایجاد بدگمانی و ناباوری نسبت به دیگران مؤثر قلمداد می‌کنند (بشیریه به نقل از اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴، ۹۴). این امر باعث می‌شود برنامه‌های توسعه‌ای و پیشرفت کشور کند شود و سرمایه‌ها به هدر رود. گره‌خوردن برنامه‌های توسعه با میزان اعتماد و مشارکت شهروندان به یکدیگر، بر اهمیت موضوع اعتماد می‌افزاید. برنامه‌های توسعه به‌طور عام و توسعه روستایی به‌طور خاص - به دلیل ماهیت روستاها - نیازمند سطح بالایی از مشارکت و اعتماد است.

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه بیشتر کشورهای در حال رشد بر کسی پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران، دستیابی به توسعه روستایی بیش از هر چیز از طریق توسعه منابع انسانی و با مشارکت و اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، توسعه منابع انسانی با پیش‌شرط توسعه مشارکت و افزایش اعتماد آحاد مردم از

هر قشری، عامل اصلی و شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار است (قلی‌نیا و غلامرضایی، ۱۳۷۷، ۲). اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی، به دلیل حاکم بودن فرهنگ عشیره‌ای و قبیله‌ای در آنها در مقایسه با جامعه شهری متفاوت است.

آنچه بر اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق حاضر می‌افزاید، نخست این است که قرار است در دهستان هجدان دشت برنامه‌های توسعه‌ای زیادی به انجام برسد (از قبیل ایجاد سالن‌های ورزشی، تأسیس مراکز ICT روستایی و مانند اینها) که اجرای بهتر این برنامه‌ها مستلزم وجود سطح بالایی از اعتماد است. دیگر اینکه، طوایف و قبایل گوناگونی (از قبیل ایل ملک‌شاهی، شوهان، عالی‌بیگی و دیگران) در این دهستان زندگی می‌کنند که می‌تواند بر نوع و کیفیت اعتماد اجتماعی میان روستاییان تأثیرگذار باشد. مقاله حاضر در پی یافتن ابعاد گوناگون اعتماد اجتماعی، میزان آن و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در دهستان مذکور است.

پیشینه تحقیق

مصطفی ازکیا و کریم حسنی‌راد (۱۳۸۸) عواملی چون مشارکت ذهنی، انسجام اجتماعی و میزان تحصیلات را بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار دانسته‌اند. حمیدرضا آراسته و هادی رزقی شیرسوار (۱۳۸۸) مؤلفه‌های سهیم‌شدن، حسن‌ظن و همکاری، دگرخواهی، پاسخ‌گویی، مسئولیت و شفافیت در عملکرد را از عوامل شکل‌دهنده اعتماد اجتماعی دانسته‌اند. منصور وثوقی و هاشم آرام (۱۳۸۸) متغیرهای سن، احساس امنیت، رضایت از زندگی، و ارزش‌های مشترک را از عوامل شکل‌دهنده اعتماد دانسته‌اند. طبق بررسی‌های سجاد اجاقلو و محمدجواد زاهدی (۱۳۸۴)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و تحصیلات با اعتماد اجتماعی رابطه دارند.

مبانی نظری تحقیق

در فرهنگ لغت هزاره، اعتماد به معنای اطمینان کردن، اتکا کردن و متکی بودن است

(حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۷۹۳). در فرهنگ آکسفورد، اعتماد به معنای داشتن احساس خوب، اطمینان، و تعهد نسبت به دیگران آمده است (Cowie, 1993, 1374). فوکویاما ضمن برشمردن عوامل مؤثر بر اعتماد، معتقد است که دولت از طریق آموزش و پرورش می‌تواند بیشترین تأثیر را بر افزایش اعتماد داشته باشد، به این ترتیب که هنجارها و قوانین را در مراحل مختلف تحصیلی به دانش‌آموختگان انتقال دهد و روحیه گروهی را تقویت کند. همچنین دولت از شیوه‌های غیرمستقیم و از راه تأثیرگذاری بر تهیه مایحتاج عمومی به‌ویژه در زمینه حقوق مالکیت، امنیت عمومی، و ایجاد محیطی امن و باثبات برای تعامل عمومی، اعتماد را در بین افراد رشد می‌دهد (فوکویاما، ۱۳۸۲، ۹).

گیدنز معتقد است که اعتماد در جوامع مدرن، در روابط چهره‌به‌چهره ظاهر می‌شود. وی بیان می‌کند که در این جوامع، روابط غیرشخصی بیش از پیش روابط شخصی را به تحلیل برده و اعتماد غیرشخصی شکل گرفته است. در این جوامع اعتماد به‌عنوان طرحی نشان داده می‌شود که طرفین باید روی آن کار کنند و آن را جلب کنند. وسیله دستیابی به این هدف، نشان دادن محبت و سعه صدر است (گیدنز، ۱۳۷۸، ۲۲). بی‌شک اعتماد در خلأ شکل نمی‌گیرد و نیازمند بستری مناسب برای رشد و نمو است. یکی از عوامل شکل‌دهنده اعتماد اجتماعی میان شهروندان، وجود بستری امن و مناسب برای برپایی تعاملات روزمره است. ایجاد امنیت اجتماعی برای شهروندان باعث می‌شود که آنان به آینده‌شان احساس آرامش و اطمینان پیدا کنند و در فضایی آرام دست به کنش بزنند. اگر کنشگران از نعمت امنیت برخوردار نباشند، همواره نسبت به آینده در حالت بی‌اطمینانی به‌سر می‌برند و از اعتماد و مشارکت با دیگران خودداری می‌کنند، زیرا امنیت این اطمینان را ایجاد می‌کند که فضا برای کنش اجتماعی مناسب و هموار است. تجربه‌های حاصل از مشارکت اجتماعی شهروندان در انجام برنامه‌های توسعه، آنها را به سمت اعتماد و اطمینان به برنامه‌ها سوق می‌دهد. در مشارکت اجتماعی، منافع حاصل از طرح‌ها و پروژه‌ها به آحاد مشارکت‌کنندگان می‌رسد و آنها را در فضای کنش بیشتر

قرار می‌دهد. زمانی که فرد در محیط و فضای کنش قرار می‌گیرد، به‌ناچار نیازمند دارا بودن سطحی از اعتماد است تا بتواند با کنشگران دیگر ارتباط برقرار کند و در مشارکت حضور یابد. در چنین وضعیتی، مشارکت در برنامه‌ها و طرح‌ها به‌صورت خودکار میزانی از اعتماد را با خود به‌همراه می‌آورد. عکس این قضیه نیز صادق است؛ اگر گروهی از افراد جامعه همواره از مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها طرد شوند، هیچ‌گونه احساس تعلق به آن جامعه نمی‌یابند و حالتی از بی‌اعتنایی در آنها شکل می‌گیرد که موجب می‌شود فرد از جریان زندگی مدنی خارج شود و از هرگونه مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و جز آن) خود را معاف بداند. این افراد که همواره خودشان را در حاشیه می‌بینند و خود را غریبه می‌انگارند، لاجرم در برابر گروه‌های دیگر (متنفذان) صفت‌بندی می‌کنند و «ما»ی جدیدی را شکل می‌دهند. به این ترتیب، فرایند اعتماد و مشارکت که در واقع بازی در مجموع غیرصفر نیست، به بازی در مجموع صفر تقلیل می‌یابد. به‌عبارتی دیگر، این افراد (محرومان و مطرودها) دیگران را به‌عنوان گروه رقیب در نظر می‌گیرند و آنان را افرادی برمی‌شمارند که در تلاش‌اند بر گروه‌های دیگر سیطره پیدا کنند. بنابراین هرگز به این افراد اعتماد نمی‌کنند و فضای بی‌اعتمادی بر جامعه حاکم می‌شود.

راجرز در تحلیل نهایی از مشارکت و اعتماد و توسعه، بر ویژگی‌های فردی، روانی، و انگیزشی تأکید کرده است. به نظر وی یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی، و حيله‌گری در روابط است (موسوی، ۱۳۸۴، ۳۰۵).

انواع اعتماد اجتماعی

اندیشمندان، دسته‌بندی‌های گوناگونی از اعتماد انجام داده‌اند. در نوشتار حاضر به سه نوع اعتماد یعنی اعتماد بین‌شخصی یا درون‌گروهی، اعتماد تعمیم‌یافته یا برون‌گروهی و اعتماد نهادی یا ساختاری خواهیم پرداخت.

الف) اعتماد بین‌شخصی

شکلی از اعتماد است که در روابط چهره‌به‌چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را برطرف می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، سبب شکل‌گیری بسیاری از تعاملات مؤثر می‌شود. اعتماد بین‌شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران، و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر، و دیگران را دربرمی‌گیرد. از جنبه نظری، در رابطه مبتنی بر اعتماد دست‌کم دو نفر حضور دارند: اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد (امین). در چنین محیطی، فرد مورد اعتماد بالقوه می‌تواند واکنش‌های متفاوتی از خود بروز دهد که می‌توان آنها را به دو دسته واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی تقسیم کرد. بررسی دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که روابط اجتماعی در ایجاد اعتماد به‌نفس نقش مهمی دارند. اعتماد بین‌شخصی در برهمکنش‌های اجتماعی معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود. البته کیفیت و نوع روابط اجتماعی و همچنین گستره روابط اجتماعی - که سرمایه اجتماعی نام دارد - در ایجاد و تقویت اعتماد بین‌شخصی تأثیر بنیادی دارد. اعتماد همانند رابطه از دو بعد تشکیل می‌شود: شما با فرد دیگر چگونه رفتار می‌کنید، و او با شما چه رفتاری دارد. اعتماد از طریق رشته‌ای از کنش‌ها و اعمال حاکی از اعتماد کردن و قابل‌اعتمادبودن ایجاد می‌گردد (اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴، ۱۰۲).

ب) اعتماد تعمیم‌یافته

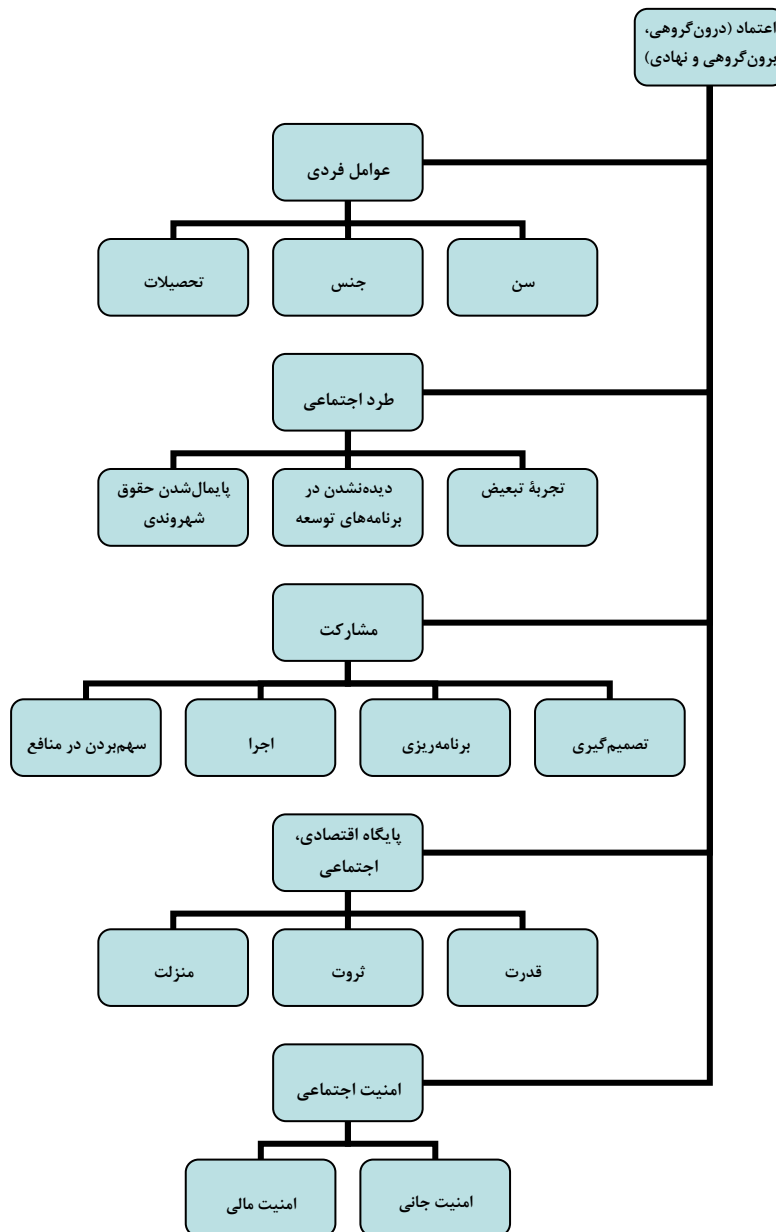
اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان به‌شکل حسن‌ظن نسبت به افراد جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف ضمن آنکه روابط چهره‌به‌چهره را شامل می‌شود، حوزه‌ای از کسانی را نیز که با ما تعامل دارند یا می‌توانند داشته باشند دربرمی‌گیرد. درواقع، اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌های خانوادگی، همسایگی، قومی، محلی، و مانند اینها را درمی‌نوردد و

در سطوح ملی و همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن مطرح می‌شود. این نوع اعتماد مستلزم مشارکت و همکاری تمامی افرادی است که جامعه مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرپور به نقل از وثوقی و آرام، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

ج) اعتماد نهادی

تکیه بر نهادها راهی برای غلبه بر کمبود ساختاری اعتماد در همه ابعاد است، که به نحو اغواکننده‌ای ساده و آسان می‌نماید. اگر نتوان به مردم اعتماد کرد، ممکن است وسوسه شویم که به نهادها به‌عنوان واسطه و تعمیم‌دهنده اعتماد تکیه کنیم. مثلاً ممکن است اطمینان داشته باشیم که نهادها همواره بر مبنای قوانین وضع شده‌شان و به‌گونه‌ای که برای ما روشن است، عمل می‌کنند. در این دیدگاه، قوانین نهادی به‌عنوان قوانینی که به بازتولید و تقویت خود می‌انجامند و خودشان را جاودانی می‌سازند، قلمداد می‌شوند و از هیچ‌کس انتظار نمی‌رود که آنها را تحریف کند یا مانع از عملکرد مورد انتظار آنها شود. نهادها همچون سنت‌ها ضامن اجرای خود هستند و از طریق نظام هدایت و اصلاح، خودشان را تصحیح می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸۵، ۲۴۰). افزون بر این، نهادها دارای راهکارهای درونی خودتصحیح‌گری هستند که انحرافات عمده از مسیر مورد انتظار و شناخته‌شده امور را منتفی می‌سازند (همان، ۲۴۱).

در شکل ۱ مدلی مفهومی برای تبیین مسئله تحقیق حاضر، آورده شده است. براساس این مدل، اعتماد گروهی (اعم از درون‌گروهی یا بین‌شخصی، برون‌گروهی یا تعمیم‌یافته، و نهادی) تحت تأثیر پنج عامل مشارکت (مشارکت در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا، و سهم‌بردن در منافع طرح‌ها)، طرد اجتماعی (تجربه تبعیض، پایمال شدن حقوق شهروندی، دیده‌نشدن در برنامه‌های توسعه)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (قدرت، ثروت، منزلت)، امنیت اجتماعی (امنیت جانی و مالی)، و عوامل و ویژگی‌های فردی (سن، جنس، تحصیلات) قرار دارد.



منبع: نگارندگان

شکل ۱. مدل مفهومی

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی و از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. اعتماد درون گروهی، اعتماد برون گروهی و اعتماد نهادی هر کدام با هفت گویه (در مجموع اعتماد اجتماعی با بیست و یک گویه)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی با پنج گویه، مشارکت با هفت گویه، امنیت اجتماعی با شش گویه، ویژگی‌های فردی با پنج گویه و طرد اجتماعی با پنج گویه سنجیده شدند (در مجموع کل متغیرها با چهل و نه گویه آزمون شدند). واحد تحلیل در این تحقیق فرد، و سطح تحلیل خرد است.

افزون بر پرسشنامه، از مطالعات کتابخانه‌ای نیز در جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۵ سال دهستان هجدان دشت است که تعدادشان به ۲۴۷۰ نفر می‌رسد. با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، تعداد ۳۳۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای چندمرحله‌ای غیرمتناسب بوده است، بدین ترتیب که کل روستاهای دهستان هجدان دشت (۵ روستا) مشخص شد و بنا بر تناسب جمعیتی از هر روستا به روش تصادفی ساده نمونه‌گیری به عمل آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار آماری SPSS و از آمارهای توصیفی (نمودارها، جداول توزیع فراوانی) و آمارهای استنباطی (آزمون T، رگرسیون چندمتغیره و برخی دیگر) استفاده شد. برخی از گویه‌ها نیز به صورت معکوس طراحی شده بودند که در مرحله تجزیه و تحلیل، کدگذاری مجدد روی آنها انجام گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان، کارشناسان، و سه تن از استادان دانشگاه تأیید شد. برای اندازه‌گیری روایی متغیرها، از آلفای کرونباخ استفاده شد. برخی از گویه‌ها در این مرحله حذف (سه گویه) و برخی دیگر جابه‌جا شدند (چهار گویه). به این ترتیب، آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقل و وابسته اندازه‌گیری شد و نتایج نشان داد که میزان آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بالای ۷۰ درصد است، که پذیرفتنی به نظر می‌رسد. آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
اعتماد بین شخصی	۷	۰/۷۷
اعتماد تعمیم‌یافته	۷	۰/۷۵
اعتماد نهادی	۷	۰/۷۹
مشارکت	۷	۰/۷۶
امنیت اجتماعی	۶	۰/۸۳
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۵	۰/۷۸
طرد اجتماعی	۵	۰/۷۳

شرح داده‌ها

در این پژوهش، اعتماد اجتماعی متغیر وابسته و منظور از آن داشتن حسن‌ظن به دیگران در روابط بینابین است (قانع‌راد و حسینی، ۱۳۸۴، ۱۱۱) و از سه جزء اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی تشکیل شده است.

اعتماد بین‌فردی (درون‌گروهی) شامل اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان، و همکاران است که با نام‌های اعتماد خاص گرایانه و اعتماد شخصی نیز شناخته می‌شود. اعتماد تعمیم‌یافته یا برون‌گروهی، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود، و اعتماد نهادی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها و گروه‌ها، در حوزه حکومت قرار دارد (موسوی خامنه، ۱۳۸۳، ۱۰).

مشارکت

مشارکت از آن دسته مفاهیمی به‌شمار می‌آید که در عین ساده‌بودن پیچیدگی خاص خود را دارد (Smith, 1991, 112) و از نخستین رفتارهای اجتماعی به‌شمار می‌آید که از بشر سر زده است (Tri, 1982, 9). در جای دیگری آمده است که مشارکت به معنای راه‌های متفاوت موجود برای افراد گوناگون و در ابعاد مختلف است و فرایندی غیرمتمرکز به‌شمار می‌آید که

امکان توزیع منابع، فرصت‌ها، آموزش، و قدرت تصمیم‌گیری را در سطوح بالا و پایین فراهم می‌کند تا آحاد جامعه بتوانند نقش خود را در توسعه ایفا کنند (Wang, 2006, 28). در پژوهش حاضر، مشارکت در چهار بعد مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در اجرا، و مشارکت در سهم‌بردن از منافع طرح‌های روستایی آزمون شده است.

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یعنی قابلیت حفظ محیط داخلی کشور برای گسترش الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، تشکله‌ها، آداب و رسوم، و هویت ملی و مذهبی (Watson, 2005, 8). امنیت اجتماعی به نترسیدن از تهدیدشدن یا به مخاطره‌افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵، ۶۱). در این پژوهش، امنیت اجتماعی به دو دسته امنیت جانی (هرگونه تهدیدی علیه جان انسان) و امنیت مالی (دارایی‌های انسان تا چه حد در امنیت است) تقسیم شده است.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

منظور از پیشینه اقتصادی-اجتماعی موقعیتی است که والدین فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی کسب کرده‌اند (گل‌رضایی، ۱۳۷۵، ۷۱). همچنین پیشینه اقتصادی-اجتماعی را می‌توان چنین بیان کرد: میزان برخورداری والدین افراد از دارایی‌های مادی و معنوی مهمی که نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی‌شان در جامعه است (شرافت، ۱۳۸۹، ۶۲).

در این پژوهش برای تعریف عملیاتی پیشینه اقتصادی-اجتماعی از پنج گویه تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، دارایی خانواده، و مساحت منزل مسکونی استفاده شده است.

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی فرایندی است که در نتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی معین از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند و به‌سختی می‌توانند فرصت‌هایی برای بهبود شرایط خود پیدا کنند. طرد اجتماعی برحسب مؤلفه‌های مشارکت و دسترسی به فرصت‌ها (Pierson, 2002, 4)؛ حقوق شهروندی؛ بی‌قدرتی؛ و شبکه‌های اجتماعی ضعیف (Flotten, 2006, 201 & 5, Narayan, 1999)؛ مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛ بیگانگی؛ و فاصله‌گرفتن از جریان اصلی جامعه (Duffy, 1995, 25) مشخص می‌شود. طرد فرایندی است که با ویژگی‌های فردی، ساختار خویشاوندی، و عوامل اجتماعی مرتبط است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹، ۱۴۳).

در این پژوهش، مفهوم طرد اجتماعی با شاخص‌هایی چون تجربه تبعیض، پایمال‌شدن حقوق شهروندی، دیده‌نشدن در تصمیم‌گیری‌های روستا، و مانند اینها سنجش شده است.

سن

تعداد سال‌هایی را که از عمر فرد گذشته است، سن می‌گویند. در پژوهش حاضر، ۵ رده سنی ۱۵ تا ۳۰، ۳۱ تا ۴۶، ۴۷ تا ۶۲، ۶۳ تا ۷۸ و درنهایت ۷۹ به بالا در نظر گرفته شده است.

جنس

همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، به جنسیت فرد اشاره دارد که شامل دو دسته زن و مرد می‌شود.

تحصیلات

به تعداد سال‌هایی که فرد آموزش‌های رسمی و کلاسیک (مدرسه‌ای و دانشگاهی) دیده است، میزان تحصیلات می‌گویند. در این تحقیق شامل افراد بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، و دانشگاه است.

در جدول ۲ متغیرهای مستقل، وابسته، شاخص‌ها، و مقیاس سنجش آنها به‌اجمال آورده شده است.

جدول ۲. متغیرهای وابسته و مستقل، شاخص‌ها، و مقیاس سنجش آنها

مقیاس سنجش	شاخص‌ها	متغیر
ترتیبی	اعتماد به خانواده، دوستان، و همکاران نزدیک	اعتماد درون‌گروهی
ترتیبی	اعتماد به طوایف و قبایل دیگر، اعتماد به روستاهای دیگر، و اعتماد به غریبه‌های روستا	اعتماد برون‌گروهی
ترتیبی	اعتماد به دهیاری، بنیاد مسکن، بخشداری، و جهاد کشاورزی	اعتماد نهادی
ترتیبی	مشارکت در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجراء، و سهم‌بردن در منافع	مشارکت
ترتیبی	امنیت جانی، و مالی	امنیت اجتماعی
ترتیبی	پایمال‌شدن حق شهروندی، تجربه تبعیض، و راه داده‌نشدن در برنامه‌های روستا	طرد اجتماعی
ترتیبی	تحصیلات و شغل والدین	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
ترتیبی	تعداد سال‌های زندگی فرد	سن
ترتیبی	بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، و دانشگاه	تحصیلات
اسمی	زن و مرد	جنسیت
اسمی	مجرد و متأهل	وضعیت تأهل

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

از بین افراد مطالعه‌شده، ۱۸۷ نفر (۵۶/۴ درصد) را مردان و ۱۴۴ نفر (۴۳/۶ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند، که از میان آنها ۱۵۲ نفر (۴۶ درصد) مجرد و ۱۷۹ نفر (۵۴ درصد) متأهل‌اند. از لحاظ اشتغال ۵۰ نفر (۱۵/۲ درصد) از پاسخگویان دارای شغل دولتی، ۱۷۰ نفر (۵۱/۳ درصد) دارای شغل آزاد و ۱۱۱ نفر (۳۳/۵ درصد) از آنها بیکار محسوب می‌شوند. بیشترین مورد مشاهده (مد) را افراد دارای شغل آزاد تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ۱۱۴

حشمت‌الله عسگری و سجاد شرافت ————— تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی

نفر (۳۴/۴ درصد) در رده سنی ۱۵ تا ۳۰ سال، ۹۳ نفر (۲۸/۱ درصد) در رده سنی ۳۱ تا ۴۶ سال، ۵۱ نفر (۱۵/۴ درصد) در رده سنی ۴۷ تا ۶۲ سال، ۴۹ نفر (۱۴/۸ درصد) در رده سنی ۶۳ تا ۷۸ سال و در نهایت ۲۴ نفر (۷/۳ درصد) در رده سنی ۷۹ سال به بالا قرار دارند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مرد	۱۸۷	۵۶/۴	۵۶/۴	۵۴/۴
زن	۱۴۴	۴۳/۶	۴۳/۶	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

تأهل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
متأهل	۱۵۲	۴۶	۴۶	۴۶
مجرد	۱۷۹	۵۴	۵۴	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

اشتغال	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
شاغل دولتی	۵۰	۱۵/۲	۱۵/۲	۱۵/۲
شاغل آزاد	۱۷۰	۵۱/۳	۵۱/۳	۶۶/۵
بیکار	۱۱۱	۳۳/۵	۳۳/۵	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۵-۳۰	۱۱۴	۳۴/۴	۳۴/۴	۳۴/۴
۳۱-۴۶	۹۳	۲۸/۱	۲۸/۱	۶۲/۵
۴۷-۶۲	۵۱	۱۵/۴	۱۵/۴	۷۷/۹
۶۳-۷۸	۴۹	۱۴/۸	۱۴/۸	۹۲/۷
۷۹ به بالا	۲۴	۷/۳	۷/۳	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

آزمون فرضیات

فرضیه شماره ۱: به نظر می‌رسد که میزان اعتماد بین‌شخصی (درون‌گروهی) در جامعه مطالعه‌شده در حد بالایی قرار دارد.

برای سنجش اعتماد درون‌گروهی (بین‌فردی) از هفت گویه استفاده شده است. در جدول ۷ پاسخ‌های افراد به‌اجمال آورده شده است.

جدول ۷. توزیع نسبی پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌های اعتماد درون‌گروهی

خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۱۷/۳	۱۹/۶	۳۸/۶	۱۳/۱	۱۱/۴	۱. حاضرم هر وقت دوستانم لازم داشته باشند وسایل ارزشمند خود را به آنها قرض دهم.
۱۵/۵	۲۵/۳	۳۸/۱	۱۱/۳	۹/۸	۲. هر زمانی که به مسافرت می‌روم، امنیت منزلم را به نزدیکانم می‌سپارم.
۱۶/۸	۳۳/۶	۳۰/۹	۱۱/۷	۷	۳. رازهای زندگی‌ام را با اعضای خانواده یا دوستان نزدیکم در میان می‌گذارم.
۱۷/۷	۲۶/۲	۳۵/۱	۱۴/۸	۶/۲	۴. آشنایان نزدیک به من همیشه روی قول و قرارهای‌شان پایبندند.
۵/۸	۷/۲	۲۸/۶	۳۰/۵	۲۷/۹	۵. دوستان و آشنایان من دارای ظاهر و باطن یکسانی نیستند.
۳/۹	۱۱/۶	۱۹/۵	۳۸/۷	۲۶/۳	۶. احتمالاً برخی از دوستان من برای رسیدن به اهداف‌شان قول و قرارهای گذشته‌شان را فراموش می‌کنند.
۱۷/۹	۲۵	۴۲/۲	۸/۸	۶/۱	۷. اگر یکی از نزدیکانم بخواهد از تسهیلات مالی (مثلاً گرفتن وام) استفاده کند، حاضرم ضامن بانکی وی شوم.

تمامی گویه‌های جدول ۷ دارای سطح همبستگی معناداری در سطح ۹۵ درصد هستند و KMO به‌دست‌آمده برابر با ۸۵ درصد است. با توجه به معنادار بودن آزمون بارتلت، اعتبار

سازه‌های گویه‌ها برای سنجش مفهوم اعتماد درون‌گروهی تأیید می‌شود. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، برخی از گویه‌ها در جهت مخالف گویه‌های دیگر طراحی شده‌اند که پس از هم‌جهت‌سازی تمامی گویه‌ها، مجموع نمره‌های طیف به‌دست آمد. حداقل و حداکثر این نمره‌ها به‌ترتیب برابر با ۷ و ۳۵ است. پس از تقسیم مجموع نمره‌های هر فرد بر تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر، داده‌های جدول ۸ به‌دست آمد.

داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهند که ۳۴/۸ درصد از پاسخگویان دارای میزان اعتماد درون‌گروهی بالا، ۳۳/۲ درصد دارای اعتماد درون‌گروهی متوسط و ۳۲ درصد از آنان دارای اعتماد درون‌گروهی پایین هستند. در مجموع می‌توان میزان اعتماد درون‌گروهی را در جامعه بررسی شده تقریباً در سطح بالا ارزیابی کرد و این فرضیه که اعتماد بین‌فردی (درون‌گروهی) افراد مطالعه‌شده بالاست، اثبات می‌شود.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد درون‌گروهی در جامعه مطالعه‌شده

اعتماد درون‌گروهی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۱۰۵	۳۲	۳۲	۳۲
متوسط	۱۱۰	۳۳/۲	۳۳/۲	۶۵/۲
زیاد	۱۱۶	۳۴/۸	۳۴/۸	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

فرضیه شماره ۲. به‌نظر می‌رسد میزان اعتماد تعمیم‌یافته یا برون‌گروهی در جامعه مطالعه‌شده در سطح پایینی قرار دارد.

برای سنجش اعتماد برون‌گروهی (تعمیم‌یافته) از هفت گویه استفاده شده است. در جدول ۹ پاسخ‌های افراد مطالعه‌شده به‌اجمال آورده شده است.

جدول ۹. توزیع نسبی پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌های اعتماد تعمیم‌یافته

گویه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
۱. حاضرم از افراد و قومیت‌های غیرخودی ساکن در روستا دوست نزدیک بگیرم.	۲۲/۷	۲۳/۱	۲۸/۶	۱۵/۴	۱۰/۲
۲. در لحظات حساس روی افراد و اقوام غیرخودی اما هم‌روستایی، می‌توانم حساب باز کنم.	۲۵/۴	۲۷/۸	۲۳/۶	۱۲/۳	۱۰/۹
۳. حاضرم با افراد غیرخودی در یک پروژه سرمایه‌گذاری مشترک کنم.	۱۶/۷	۳۳/۳	۲۵/۶	۱۷/۴	۷
۴. گاهی اوقات مسائل شخصی‌ام را با افرادی که قرابت خانوادگی تقریباً نزدیک نداریم درمیان می‌گذارم.	۲۳/۱	۲۵/۵	۲۷/۹	۱۳/۸	۹/۷
۵. اگر از افراد طایفه غیرخودی از من پول قرض بخواهد به او می‌دهم.	۲۶/۹	۲۱/۷	۳۰	۱۱/۱	۱۰/۳
۶. حاضرم با افراد و قبایل دیگر روستای خودم و روستاهای مجاور رابطه سببی ایجاد کنم.	۲۶/۸	۳۱/۵	۲۹/۷	۷/۲	۴/۸
۷. حاضرم با اقوام و قبایل دیگر اما با خصوصیات اخلاقی خوب زندگی کنم تا اینکه صرفاً در بین نزدیکانم باشم.	۱۷/۳	۱۲/۵	۳۵/۲	۱۸/۸	۱۶/۲

تمامی گویه‌های فوق دارای سطح همبستگی معناداری در سطح ۹۵ درصد هستند و KMO به‌دست آمده برابر با ۹۰ درصد است، که با توجه به معناداربودن آزمون بارتلت، اعتبار سازه‌ای گویه‌ها برای سنجش مفهوم اعتماد درون‌گروهی تأیید می‌شود. پس از محاسبه مجموع نمره‌های طیف، حداقل و حداکثر این نمره‌ها به ترتیب برابر با ۷ و ۳۵ به‌دست آمد. بعد از تقسیم مجموع نمره‌های هر فرد بر تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر، داده‌های جدول ۱۰ حاصل شد. داده‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهند که ۲۳/۵ درصد از پاسخگویان دارای میزان اعتماد تعمیم‌یافته (برون‌گروهی) بالا، ۲۸/۷ درصد دارای اعتماد برون‌گروهی متوسط و ۴۷/۸ درصد از آنان دارای اعتماد برون‌گروهی پایین هستند. در مجموع می‌توان میزان اعتماد برون‌گروهی (تعمیم‌یافته) را در جامعه بررسی شده در سطح پایین ارزیابی

کرد. بنابراین، این فرضیه که میزان اعتماد برون‌گروهی در بین افراد مطالعه‌شده پایین است، اثبات می‌شود.

جدول ۱۰. توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه مطالعه‌شده

اعتماد تعمیم‌یافته	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۱۵۸	۴۷/۸	۴۷/۸	۴۷/۸
متوسط	۹۵	۲۸/۷	۲۸/۷	۷۶/۵
زیاد	۷۸	۲۳/۵	۲۳/۵	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

فرضیه شماره ۳. به نظر می‌رسد میزان اعتماد نهادی در جامعه مطالعه‌شده در سطح پایینی قرار دارد.

برای سنجش اعتماد نهادی از هفت گویه استفاده شده است. در جدول ۱۱ پاسخ‌های داده‌شده از سوی جامعه مطالعه‌شده آورده شده است.

جدول ۱۱. توزیع نسبی پاسخ‌های داده‌شده به گویه‌های اعتماد نهادی

خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
۱۸/۹	۲۲/۱	۲۷/۲	۱۷/۳	۱۴/۵	۱. افرادی که در این اداره‌ها مشغول به کار هستند، وجدان کاری دارند.
۱۷/۶	۱۸/۸	۳۰/۳	۱۲/۱	۲۱/۲	۲. هنگام سختی‌ها ادارات مرتبط با روستا به داد من خواهند رسد.
۲۲/۴	۳۱/۷	۲۵/۶	۱۳/۳	۷	۳. کارمندان اداره‌ها، پاسخ‌های مسئولانه‌ای به مطالبات ارباب‌رجوع می‌دهند.
۲۳/۷	۳۶/۹	۲۹/۷	۵/۶	۴/۱	۴. رؤسا و مسئولان اداره‌ها به وعده‌های‌شان عمل می‌کنند.
۱۲/۸	۱۵/۳	۴۱/۸	۱۹/۳	۱۰/۸	۵. به شکایت‌های مردمی زود رسیدگی می‌شود.
۳۲/۱	۲۷	۳۲/۴	۴/۷	۳/۸	۶. پارتی‌بازی در اداره‌ها کم است و معمولاً عدالت اداری اجرا می‌شود (آیا موافقت؟)
۲۰/۲	۲۹/۴	۲۱/۷	۱۸/۹	۹/۸	۷. کارمندان اداره‌ها تمامی تلاش‌شان را برای جلب رضایت نسبی ارباب‌رجوع می‌کنند.

تمامی گویه‌های فوق دارای سطح همبستگی معناداری در سطح ۹۵ درصد هستند و KMO به دست آمده برابر با ۸۷ درصد است، که با توجه به معنادار بودن آزمون بارتلت، اعتبار سازه‌ای گویه‌ها برای سنجش مفهوم اعتماد نهادی تأیید می‌شود. مجموع نمره‌های طیف برابر با ۳۵ به دست آمد، که پس از تقسیم مجموع نمره‌های هر فرد بر تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر، داده‌های جدول ۱۲ به دست آمد.

جدول ۱۲. توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد نهادی در جامعه مطالعه شده

اعتماد نهادی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۱۵۵	۴۷	۴۷	۴۷
متوسط	۹۸	۲۹/۶	۲۹/۶	۷۶/۶
زیاد	۷۸	۲۳/۴	۲۳/۴	۱۰۰
جمع	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند که ۴۷ درصد پاسخ‌گویان دارای میزان اعتماد نهادی در حد پایین، ۲۹/۶ درصد دارای اعتماد نهادی در حد متوسط و ۲۳/۴ درصد آنان دارای اعتماد نهادی بالا هستند. در مجموع می‌توان میزان اعتماد نهادی را در جامعه بررسی شده در سطح پایین ارزیابی کرد و فرضیه شماره ۳ که مبنی بر پایین بودن اعتماد نهادی در میان پاسخ‌گویان است، تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۴. بین سطح تحصیلات افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

با درجه اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی و میزان تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان تحصیلات، بر میزان اعتماد اجتماعی در افراد اضافه خواهد شد. نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن و تاوبی کندال نشان می‌دهد افرادی که تحصیلات بالایی داشتند از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار بودند و میزان اعتماد در میان افراد با سطح تحصیلات پایین در سطح کمتری قرار داشت.

فرضیه شماره ۵. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

سطح سنجش متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی رتبه‌ای است و با درجه اطمینان ۹۹ درصد بین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهند که هرچه فرد مرتبه بالاتری از پایگاه اقتصادی- اجتماعی داشته باشد، میزان بالاتری از اعتماد اجتماعی نیز خواهد داشت و برعکس. بنابراین، می‌توان گفت که با بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، میزان بالاتری از اعتماد در جامعه به وجود خواهد آمد.

فرضیه شماره ۶. به نظر می‌رسد بین سن افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

در این مطالعه، متغیر سن به صورت رتبه‌ای سنجیده شده است. ضریب همبستگی اسپیرمن حاکی از رابطه معنادار سن افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنهاست. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که جهت این رابطه منفی است، یعنی هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، میزان اعتماد اجتماعی در آنها فرسایش می‌یابد.

فرضیه شماره ۷. به نظر می‌رسد بین جنسیت افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

از آنجا که متغیر جنسیت به صورت اسمی و متغیر اعتماد اجتماعی به صورت ترتیبی است، از آزمون کی‌دو برای سنجش این فرضیه استفاده کرده‌ایم. با درجه اطمینان ۹۹ درصد، بین جنسیت و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، یعنی عامل جنسیت (زن یا مرد بودن) در این جامعه نتوانسته است بر میزان اعتماد اجتماعی افراد تأثیری بگذارد.

فرضیه شماره ۸. به نظر می‌رسد بین مشارکت افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

با سطح اطمینان ۹۹ درصد، نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مشارکت افراد و اعتماد اجتماعی آنهاست. به عبارتی دیگر، هرچه شخص در برنامه‌های توسعه روستایی بیشتر مشارکت داشته، میزان اعتماد اجتماعی وی نیز بالاتر بوده است.

فرضیه شماره ۹. به نظر می‌رسد بین طرد اجتماعی افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن نشان می‌دهد که بین طرد اجتماعی و اعتماد اجتماعی افراد رابطه منفی معناداری وجود دارد. افرادی که تجربه تبعیض را بیشتر داشته و احساس کرده‌اند، و کسانی که حق و حقوق شهروندی‌شان پایمال شده و در برنامه‌های توسعه خودشان را در حاشیه دیده‌اند، اعتمادشان به دیگران به‌طور معناداری پایین بوده است.

فرضیه شماره ۱۰. به نظر می‌رسد بین امنیت اجتماعی افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

با درجه اطمینان ۹۹ درصد و با توجه به نتایج جدول ۱۳ می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری بین امنیت اجتماعی و میزان اعتماد در جامعه مطالعه شده وجود ندارد. نتایج جداولی که در ادامه می‌آیند، آنچه را در اینجا مطرح شد به زبان آمار و ارقام و به‌صورت دقیق‌تر بیان می‌کنند.

جدول ۱۳. همبستگی بین متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی روستاییان

نتایج	ضریب تاویبی کندال		ضریب همبستگی اسپیرمن		متغیر
	سطح معناداری	مقدار ضریب	سطح معناداری	مقدار ضریب	
رابطه معنادار و مثبت وجود دارد	۰/۰۰۰	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۰/۱۰۷	تحصیلات
رابطه معنادار و منفی وجود دارد	۰/۰۰۰	-۰/۱۳۵	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۵	سن
رابطه معنادار و مثبت وجود دارد	۰/۰۰۰	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۹۰	مشارکت
رابطه معنادار و منفی وجود دارد	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۰	طرد اجتماعی
رابطه معناداری وجود ندارد	۰/۰۷۲	۰/۱۶۰	۰/۰۷۹	۰/۱۸۰	امنیت اجتماعی
رابطه معنادار و مثبت وجود دارد	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۰/۲۱۵	پایگاه اقتصادی-اجتماعی

جدول ۱۴. همبستگی بین جنسیت و اعتماد اجتماعی

نتیجه آزمون	آزمون کی‌دو		متغیر
	سطح معناداری	مقدار ضریب	
رابطه معناداری وجود ندارد	۰/۰۶۹	۲/۴۳	جنسیت

آنچه از جداول فوق برمی‌آید صرفاً بیانگر وجود داشتن یا نداشتن رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است و به هیچ‌وجه درجه اهمیت آنها را نشان نمی‌دهد. برای یافتن اینکه کدام متغیر بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد، باید به جدول رگرسیونی مراجعه شود، که در ادامه خواهد آمد. در متغیرهای بررسی شده، مقدار R به‌دست آمده برابر با ۰/۷۸۷ است که نشان‌دهنده شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. مقدار ضریب تعیین یا R^2 نیز برابر با ۰/۴۷۶ است که نشان می‌دهد ۴۷/۶ درصد از عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی در روستا از متغیرهای مستقل معرفی شده در این تحقیق هستند و ۵۲/۴ درصد بقیه مربوط به عواملی است که در اینجا بررسی نشده‌اند.

برای بررسی نسبی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته باید مقدار بتا (Beta) یا همان ضرایب استاندارد شده را مطالعه کرد. با توجه به داده‌های جدول ۱۵ می‌توان گفت که نقش متغیر مشارکت اجتماعی ($Beta=0/29$) بیشتر از متغیرهای دیگر است. این عدد نشان می‌دهد که به ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار متغیر مشارکت اجتماعی، به اندازه ۲۹ درصد در انحراف معیار متغیر اعتماد اجتماعی تغییر ایجاد می‌شود. هرچه میزان بتای به‌دست آمده بیشتر باشد، بیشتر می‌تواند در تبیین متغیر وابسته نقش ایفا کند. از داده‌های جدول ۱۵ چنین برمی‌آید که متغیر مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد. متغیرهای طرد اجتماعی، سن، تحصیلات، و پایگاه اقتصادی نیز به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۱۵. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۴۲۱	۱/۸۲۹	-----	۴/۹۹۹	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۱۱۱	۰/۰۲۵	۰/۳۷۵	۱/۷۰	۰/۰۰۰
طرد اجتماعی	-۰/۲۵۵	۰/۰۶۳	-۰/۲۵۴	-۱/۲۳	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۱۰۳	۰/۰۷۸	۰/۱۷۳	۰/۸۲۰	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۷۹	۰/۰۹۲	-۰/۲۰۷	-۰/۹۲۶	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۹۴	۰/۰۸۸	-۰/۱۹۴	-۰/۷۸۲	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

اعتماد در بین افراد جامعه از مؤلفه‌های اصلی توسعه به‌شمار می‌آید. در پژوهش انجام‌شده ابتدا ابعاد اعتماد اجتماعی در جامعه بررسی شد، که اعتماد بین‌شخصی (درون‌گروهی)، اعتماد تعمیم‌یافته (برون‌گروهی) و اعتماد نهادی (ساختاری) را دربرمی‌گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که میزان اعتماد بین‌شخصی افراد روستایی به یکدیگر در سطح بالایی قرار دارد، اما میزان اعتماد برون‌گروهی و اعتماد نهادی (اعتماد به اداره‌های دولتی، مؤسسات خصوصی و دولتی و مانند اینها)، در سطح پایینی است. این نتایج را می‌توان در قالب نظریه خرد فرهنگ دهقانی راجرز تبیین کرد. براساس این نظریه، به‌دلیل حاکم‌بودن فرهنگ سنتی بر جوامع روستایی، ساکنان این جوامع به گروه‌های دیگر و غریبه‌ها اعتماد کافی ندارند و فقدان مشارکت، نوآوری، و اعتماد در آنها آشکار است. در این مطالعه، براساس نظریه‌های موجود در حوزه اعتماد اجتماعی مدلی طراحی شد که عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی را چنین در نظر می‌گرفت: مشارکت، طرد اجتماعی، عوامل و ویژگی‌های فردی، امنیت اجتماعی، و پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند میزان اعتماد افرادی که تجربه

مشارکت برنامه‌های توسعه‌ای داشته‌اند، بالاتر است. تجربه مشارکت می‌تواند به صورت شرکت در تصمیم‌گیری برای انجام اقدامات روستایی، برنامه‌ریزی طرح‌ها و پروژه‌های روستایی و سهم‌بردن در منافع این طرح‌ها باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که اگر روستاییان تجربه تبعیض در زندگی داشته باشند، یا احساس کنند که در اجرای برنامه‌های روستایی نادیده گرفته شده‌اند و حقوق‌شان پایمال شده است، میزان اعتماد اجتماعی بسیار پایینی از خود نشان می‌دهند. گرایش به اعتماد اجتماعی در افرادی که پیشینه خانوادگی بالایی دارند، بیشتر بوده است. عوامل و ویژگی‌های فردی، سن و تحصیلات افراد بر میزان اعتماد اجتماعی تأثیرگذارند، اما هیچ رابطه‌ای بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی یا اعتماد اجتماعی مشاهده نشد.

پیشنهاد می‌شود برای تقویت اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی، در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای روستا از آحاد جامعه دعوت به مشارکت شود و مشارکت تنها به متنفذان روستا (دهیاران، شوراهای روستا، زمین‌داران بزرگ، و وابستگان به افراد قدرتمند) محدود نشود، بلکه باید از افرادی که تاکنون از برنامه‌ها و طرح‌ها طرد شده‌اند (زنان، کودکان، سالمندان، و فقرا) نیز بهره کافی برد. با ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی می‌توان به تقویت سطح سواد و آموزش در روستاها پرداخت، که از روش‌های عملیاتی آن برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی، و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و تخصصی در روستاها (تقویت کتابخانه‌های الکترونیکی) است.

ذکر این نکته روش‌شناسی نیز ضروری است که یکی از مسائل و مشکلات انجام تحقیق در جوامع روستایی - از جمله پژوهش حاضر - این است که اکثر افراد روستایی، محققان و پرسشگران را نماینده دولت می‌دانند و نوعی محافظه‌کاری در پاسخگویی به سؤالات و پرسش‌های تحقیق در آنها وجود دارد. پژوهشگران باید تلاش کنند تحقیقات روستایی - به ویژه در حیطه اعتماد - را به گونه‌ای انجام دهند که سوگیری ناشی از حضور پرسشگر در تحقیق رخ ندهد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا و رزقی شیرسوار، هادی، ۱۳۸۸، ارزیابی سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های کشور؛ نمونه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، صص. ۹۹-۱۱۷.
- اخوان کاظمی، مسعود، ۱۳۸۹، سرمایه اجتماعی و خودکشی، با تأکید بر استان ایلام، مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی، علل، پیامدها و رفتارها، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران، صص. ۵۶-۷۵.
- ازکیا، مصطفی و حسنی‌راد، کریم، ۱۳۸۸، نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صص. ۷-۲۷.
- افشار، زین‌العابدین، ۱۳۸۵، بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- اجاقلو، سجاد و زاهدی، محمدجواد، ۱۳۸۴، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره چهارم، صص. ۹۲-۱۲۵.
- امیرپور، مهناز، ۱۳۸۶، بررسی جامعه‌شناختی اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- بلیک مور، کن، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.
- تاجبخش، کیان، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، انتشارات شیرازه، چاپ سوم.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران، ۱۳۸۷، فرهنگ معاصر هزاره، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ سیزدهم، تهران.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی: جوانان ۲۹-۲۰ ساله استان مازندران، مجله علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال اول، شماره اول، صص. ۳۹-۶۶.

حشمت‌الله عسگری و سجاد شرافت ————— تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی

شرافت، سجاد، ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به مصرف مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک، تهران.

فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۲، سرمایه اجتماعی، ترجمه سعید شریعتی، روزنامه اندیشه یاس، سال اول، شماره هشتاد و دوم.

فیروزآبادی، سیداحمد و صادقی علیرضا، ۱۳۸۹، وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره اول، صص. ۱۷۴-۱۴۳.

قانع‌راد، محمدامین و حسینی، فریده، ۱۳۸۴، ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره سوم، صص. ۹۷-۱۲۳.

قلی‌نیا، محمدجواد و غلامرضایی، سعید، ۱۳۷۷، مشارکت مردمی در توسعه روستایی، برنامه کار FAO، انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، دفتر مطالعات و بررسی‌ها، تهران.

کامران، فریدون و احمدیان، اسلام، ۱۳۸۸، بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص. ۴۰-۱۹.

کفاشی، مجید و آزاده، نادر، ۱۳۸۸، عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتماد اجتماعی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صص. ۸۹-۱۱۵.

گل‌رضایی، محمدحسین، ۱۳۷۵، ارتباط بین پیشینه اقتصادی، اجتماعی، حمایت اجتماعی و عزت نفس با میزان افسردگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر شیرازه، تهران.

موسوی، میرطاهر، ۱۳۸۴، تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران، رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره نوزده، صص. ۳۰۱-۳۲۷.

موسوی خامنه، مرضیه، ۱۳۸۳، سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

وثوقی، منصور و آرام، هاشم، ۱۳۸۸، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال، استان اردبیل، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص. ۱۵۴-۱۳۳.

- Cowie, A. P., 1993, **Oxford Advanced Learner's Dictionary**, Oxford university press.
- Duffy, K., 1995, **Social Exclusion and Human Dignity in Europe**, Strasbourg: council of Europe.
- Flotten, T., 2006, **Poverty and Social Exclusion: Tow Side of Same Coin**, available at Elsevier site publication.
- Narayan, D., 1999, **Bonds and Bridges: Social Capital and Poverty**, World bank publication.
- Pierson, John, 2002, **Taking Social Exclusion**, Routledge Publication Press.
- Simmel, G., 2004, **The Philosophy of Money**, Translated by T. Battomor, London, Routledge press.
- Smith, L. K., 1991, **Community Participation in Health**, Community Development Journal, Vol. 26, PP. 112-117.
- Tri, H.C., 1982, **Participation in Development**, UNESCO press.
- Wang, 2006, **Rural Community Participation in Tourism Development**, Ph.D. Dissertation, Kansas, university of Kansas, department of anthropology.
- Watson, S., 2005, **Agent in Search of Actor**, New York, Columbia university press.